

ژاکلین کرده بود. بعد از نومی‌دی از دریافت آهنگ، این بار ژاکلین سراغ کوروش یغمایی رفته و از او پرسیده بود، چطور «گل یخ» را ساختی؟ پاسخ شنیده بود که یک گیتار خریدم، آنقدر زدم و زدم تا گیتار یست شدم و «گل یخ» را برای خودم ساختم. ژاکلین جوان نیز همین مسیر را برگزید. یک گیتار اکو خریده بود و آنقدر زده بود تا «پرنده» را ساخته بود؛ آهنگی با شعری از سعید دبیری. بعد نیز به استودیو پاپ رفته بود تا با اریک اِرکانت، آهنگساز فرانسوی که در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ در ایران زندگی می کرد، این ترانه را ضبط کند. باز دست سرنوشت اما پشت سر او در حرکت بود. هنگام خواندن، کلمران راد، مدیر برنامه گوگوش نیز در استودیو حضور داشت و به ژاکلین پیشنهاد داد این آهنگ را به گوگوش بدهد برای خواندن. چنین نیز شد و همان وقت که راه خوانندگی بسته شد، راهی دیگر باز شد پیش روی دختر جوان؛ راه سازندگی و آهنگسازی.

همکاری با بزرگان

بدین ترتیب او در همان سال ها با آهنگسازی برای پدرش و خوانندگانی چون مرتضی، به سلک آهنگسازان ایرانی درآمد و طی چندین دهه فعالیت، آثاری فراوان و درخور توجه، که در اغلب آنها کلام و آهنگ به‌دست او پرورده شده بودند، برای خوانندگان مطرح موسیقی پاپ همچون ستار، ابی، معین، مهستی، سیاوش قمیشی، سیاوش شمس، شهره، شهرام صولتی، شکبلا، لیلا فروهر، اندی، کوروس، شهرام شب‌پره، مارتیک، نوش‌آفرین، هلن و... ساخت و نام خود را به‌عنوان نخستین آهنگساز زن ایرانی در میدان موسیقی پاپ ماندگار کرد.
بااین‌همه سودای خوانندگی نیز هیچ‌گاه از او جدا نشد و بعد از انقلاب و مهاجرت به آمریکا، آلبوم‌هایی همچون «غصه جنگ»، «بوسه»، «شازده پسر»، «مافیا»، «تکرارنشدنی»، «خاطره من»، «شکوفه‌های پنهانی» و «آتش پنهانی» نیز با صدای او به بازار عرضه شد.

دل‌تنگ‌خانه

مضمون غالب در ترانه‌های ژاکلین را می‌توان احساسات نوستالژیک نسبت به وطن، که خود «خانه»اش می‌نامید، دانست. در حاشیه همین حس‌سرای‌های آمیخته با مرثیه‌سرای‌ی برای دوری از ایران، نگاه نه‌چندان مثبت او به غربت غرب و زندگی ماشینی در آن محیط نیز به‌چشم می‌خورد؛ چنانکه بارها در ترانه‌هایش با این مضمون مواجه می‌شویم که برای ایرانی‌های «خانه به دوش»، «شهر آهن» لس آنجلس، نمی‌تواند «خانه» باشد.

نگاه ژاکلین به ایران در آثارش، البته فراتر از نزاع‌های سیاسی، به‌عینیت زندگی مسالمت‌آمیز و آکنده از مهر و محبت میان مردم ارجاع می‌داد و، ایران را مصادری می‌دید که هم نمی‌توان از آن جدا ماند و هم نمی‌تواند برای فرزندانش با هر

تصنیف‌خوان به‌شکلی جدی‌تر وارد عرصه ترانه می‌شوند. هر چند این نقش را بیشتر به این دلیل به آن‌ها می‌دهند که اصلاًتصنیف‌خوانی دون شأن مردان تصور می‌شده است. بااین حال اولین ضبط تصانیف ایرانی با صدای افتخار خانم، امجد خانم ووزری خانم حاصل هنر بانوان این سرزمین است. از مشروطه تا تأسیس رادیو در دهه ۲۰ خورشیدی، نقش زنان در ترانه فارسی بیشتر به‌عنوان مجری آثار مردان قابل ردگیری است و ترانه‌سرا و آهنگساز شاخصی از میان زنان ظهور نمی‌کند.

ترانه‌سرایی و خنیاگری زنان اما با منیر طه در دهه ۲۰، آغازی مدرن را تجربه می‌کند. اولین ترانه او با عنوان «شب مهتاب» در حوالی سال ۱۳۲۲، با موسیقی علی تجویدی و صدای حسین قوامی از رادیو پخش شد و در فضای روبه‌رشد موسیقی و ترانه، منیر طه در سال‌های بعد تبدیل به یک ترانه‌سرا و آهنگساز حرفه‌ای در موسیقی ایران می‌شود. او اولین کسی است که در رادیو به‌جای واژه «تصنیف» از «ترانه» استفاده می‌کند. صف‌شکنی منیر طه است که راه را برای ظهور زنان دیگری در عرصه ترانه و آهنگ هموار می‌کند.

اوج گیری زنان در موسیقی از دهه ۱۳۴۰

در موسیقی ایرانی و پاپ اما فعالیت زنان از دهه ۴۰ خورشیدی‌ی اوج می‌گیرد. ترانه‌سراییانی مانند مه‌دخت پورمخیر، شپین خاتنه، هما میرافشار، نیره فروتن، لیلا کسری و چند چهره دیگر، نقش مهمی در خلق آثار ماندگار در ترانه فارسی ایفا می‌کنند. هر چند زو یا ژاکریان، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ترانه‌سرایان جریان ترانه

که کمتر در آن سال‌ها میان زنان دیده می‌شد. او انتخاب کرد مستقل بماند، بدون ترس مسیر خودش را پرود و با زبان موسیقی سخن بگوید. بدین ترتیب ژاکلین با وجود همه موانع، توانست برای خوانندگان زیادی آثاری زیبا و ماندگار خلق کند. ترانه‌های او فقط مجموعه‌ای از واژه‌ها نبودند؛ بلکه قطعاتی بودند که با شناخت عمیق از صدا و شخصیت خواننده شکل گرفتند. همین نگاه، او را از بسیاری از ترانه‌سرایان هم‌نسل اش متمایز می‌کرد.

زبان و تعهد

ژاکلین در ترانه‌نویسی به زبان فارسی بسیار متعهد بود. مراقب بود که هیچ عبارت نادرست یا کهمایه‌ای در آثارش وارد نشود. برای او شعر و موسیقی، نه ابزار سرگرمی، بلکه ابزاری برای زیستن و ماندگاری بودند. حساسیت‌اش به انتخاب واژه، دقت‌اش در ملودی‌سازی و وسواس‌اش در هماهنگی کلمه با صدا، همه نشان می‌دادند که کار برای او فقط یک حرفه نبود، بلکه نوعی زیستن بود.

تأثیر زن بودن در هنر او

اکثر آثار زیبایی که از گذشته شنیده ایم، توسط آهنگسازان مرد ساخته شده‌اند، اما آهنگ‌های یک آهنگساز زن، روح و رنگ دیگری دارد. ژاکلین از زنانگی خود نه‌تنها فرار نکرد، بلکه آن را به نقطه‌قوت تبدیل کرد. صدایش، انتخاب کلماتش و روایت‌هایش،

مرام و مسلکی بدی نخواهد. اینگونه بود که او وقتی به ایران می‌اندیشید، آن را در تمام وجوهش می‌دید و بنا به گشودگی ذهنی و قلبی که نسبت به دیگران متفاوت از خودش داشت، این زمینه را داشت که به‌عنوان زنی مسیحی، برای علی بن ابی طالب و علی بن موسی الرضا نیز ترانه بسراید و خواندن این دو ترانه را نیز به شهره و شهرام صولتی بسپارد. خودش شرحی از این علاقه به‌دست‌داده است که نشان می‌دهد، چگونه اعتبار ساختن «پرنده» برای گوگوش را به امام رضا داده است: «بیشتر هنرمندانی که با من بودند، مشروب می‌خوردند. خواستم که با من بیایند و برویم به صحن مشهد. گفتند که نه ما نمی‌توانیم، مشروب خورده ایم. من سوار تاکسی شدم و تنها رفتم. وقتی رفتم آنجا و صریح را گرفتم دستم، از امام رضا خواستم به من یاری بدهد که بتوانم به آرزوهایم برسم و یکی از آرزوهایم این بود که خودم آهنگساز و شاعر خودم باشم. همه چیز سر خود باشم. در نهایت اگر شدم و اگر امام رضا مرا به آرزویی که دارم، رساند، امام رضا را برای او می‌نویسم. بعد امام رضا را نوشتم. بعد برای قوم پهلو «شب شبات» را نوشتم و برای خودم «من مسیحی» را نوشتم.

در پی جهان خوبی‌ها

ایران و جهانی که ژاکلین همیشه دل‌تنگ آن بود و هیچ‌گاه آن را فراموش نکرد، ایران و جهانی بود که در آن صلح، صفا و انسانیت حاکم باشد. همین بود که ضمن رواداری مذهبی، هیچ‌گاه نیز از یاد فقر اغافل نماند و در بسیاری از آثارش، جهانی را طلب کرد که در آن نشانی از فقر و فاقه نباشد. در این زمینه شاید بتوان ترانه «رویا» را که با صدای معین به گوش ما رسیده است، مانیفست جهان‌بینی ژاکلین قلمداد کرد: «من از این دنیا چی میخوام دو تا صندلی چوبی / که منو تو رو بشون واسه گفتن خوبی / من از این دنیا چی میخوام به وجب زمین خالی / همونقدر که یک اطاقک بشه خونه خیالی / من از این دنیا چی میخوام به جعبه مداد رنگی / بکشم رو تن دنیا رنگ خوبی و قشنگی / آدم‌های دست و دل‌باز از توی قلک قاطقه / بردارن بذر محبت واسه بارداری باغچه / من از این دنیا چی میخوام دو تا بال برای پرواز / برم تا روز تولد برسم به فصل آغاز / برم پیش بچه‌هایی که یه لقمه نون ندارن / که یک شب با یک دل سیر چشاشونو هم بذارن / بگم غصه‌ها سر اومد گریه بس که بهتر اومد».

جهان اما آنگونه نمی‌چرخید که ژاکلین دوست داشت بر مدار انصاف، مهر و صداقت یخ‌چرد. روحیه حساس او نیز همیشه از این اختلاف میان آرزوها و واقعیت‌ها در رنج و عذاب بود و او شاید با ترانه می‌کوشید مرهمی بر این زخم التیام‌ناپذیر بگذارد و به دیگران نداد دردد که باور کنند، می‌توان جهانی بهتر داشت و ساخت: «رگبار تلخ دورنگی دشنه زد به تار و پودم / از غم نامردمی‌ها مرده ذرات وجودم / دیگه باورم نمیشه که هنوزم زنده هستم / گر چه میدونم که پاکی شده باعث شکستم.»

هنرمندی میهن دوست

نوین که دستی‌هم بر آهنگسازی دارد، نماینده اول ترانه‌ی زنان در این جریان مهم ترانه معاصر است، اما ژاکلین نیز در میان زنان ترانه‌سرای تاریخ زبان فارسی، چهره‌ای بسیار ویژه است. او ابتداء دهه ۵۰، آهنگی را با مضمون دل‌تنگی از غیبت مادرش می‌سازد و این ملودی با سروده سعید دبیری و با عنوان «پرنده» که ابتدا قرار بود با صدای خودش اجرا شود، در نهایت با صدای گوگوش او را به شهرت می‌رساند. از ژاکلین در سال‌های بعد آهنگ‌هایی با صدای خودش، پدرش و خوانندگان مطرح منتشر می‌شود که اکثر آن‌ها در کنار کیفیت کلامی و موسیقایی، بسیار فراگیر می‌شوند.

هنرمند چندوجهی

ویژگی مهم فعالیت ژاکلین در عرصه ترانه‌سرای‌ی، همین چندوجهی بودن اش در خلق آثار و متنوع بودن موضوعات، فرم‌ها و مجریان آثار اوست. بی‌تردید ژاکلین تا امروز مهم‌ترین بانوی خنیاگر زبان فارسی است و با این که معمولاً از هنر ترانه‌سرای‌ی او همانند هم‌تیارش زو یا ژاکریان و حتی بانوان دیگری مثل هما میرافشار و لیلا کسری یاد نمی‌شود اما هنر خلق هم‌زمان کلام و آهنگ، رسیدن به تلفیقی گوش‌نواز و مردم‌پسند و جدیت‌اش در کار ملودی‌سازی، او را به خنیاگری مثال‌زدنی حتی در قیاس با مردان بدل کرده است. ژاکلین در مسیری قدم گذاشت که تا پیش از او به‌دلیل ناهمواری‌ها و محدودیت‌ها، هیچ زنی در آن با این جدیت، همت و کیفیت گام نبرداشته بود. مسیری که امروز هر چند هنوز ناهموار است، اما در میان زنان هنرمند این سرزمین رهروانی مصمم پیدا کرده است.

همگی آمیخته با تجر به‌های زنانه بودند: تجربه‌هایی که پیش از آن، در فضای موسیقی کمتر شنیده می‌شدند. اوبی‌پروا از عشق، رنج، انتظار و امید نوشت و این صداقت زنانه بود که به آثارش رنگی یگانه می‌بخشید.

میراث و ماندگاری

میراث ژاکلین برای ما همان آثارش است؛ ترانه‌هایی که همچنان شنیده می‌شوند و هر بار شنیدن شان، یاد و خاطره او را زنده می‌کنند. او مؤلف بود و نام‌اش در هر خط و هر ثُت از آن آثار باقی مانده است. موسیقی برای ژاکلین، انتخابی شغلی نبود؛ استعدادی بود در روح و خون او. او با شعر و موسیقی زیست و در نهایت نیز با شعر و موسیقی ماندگار شد.

ژاکلین بسیاری ایران را دوست داشت. هر جا که می‌رفت، از ایران با عنوان «خانه» یاد می‌کرد. همین عشق عمیق به وطن در آثارش نیز بازتاب داشت؛ چه در انتخاب کلمات، چه در لحن و چه در احساسی که به‌شونده منتقل می‌شد.

اگر چه امروز ژاکلین در میان مان نیست، اما حضور او همچنان زنده است؛ در ترانه‌هایی که نسل به نسل شنیده می‌شوند، در صداهایی که با کلمات او ماندگار شدند و در یاد و خاطره کسانی که صداقت و مصمیمیت‌اش را لمس کرده‌اند. ژاکلین با کلمات و ملودی‌هایش به جاودانگی رسید؛ همان گونه که خود باور داشت: او شعر بود و شعر اوست، او ملودی بود و ملودی اوست.

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۸۷۹
www.hammihanonline.ir

هنرمندی میهن دوست و انسانی پاك و زلال

قلب ژاكلین همیشه برای ایران تنگ بود

از زمان کودکی، پدرم همیشه ترانه‌های ویگن را گوش می‌داد و به همین علت من نیز به صدای ویگن بسیار علاقه‌مند شدم. در میان آن ترانه‌ها، اجرایی دوفره از ویگن با همراهی دخترش ژاکلین با نام «انتظار» را همیشه دوست داشته‌ام. بعدها که برای ادامه تحصیل در رشته موسیقی به ارمنستان رفتم، استادی داشتم به‌نام هروس نارنجی. از خوش‌شانسی من این استاد در واقع سال‌ها سرپرست ارکستر ویگن بود، اجراهای متعددی با او داشت و با ژاکلین نیز گروهی تشکیل داده بود. من از طریق ایشان با ویگن بیشتر آشنا شدم اما متأسفانه استاد هروس نارنجی پس از چندسال درگذشت. من برای عرض تسلیت، نامه‌ای به ویگن نوشتم و در کمال شگفتی، سلطان جاز ایران پس از دریافت آن نامه با من از طریق تلفن تماس گرفت. این آغاز ارتباط مداوم من با ویگن بود که تا زمان درگذشت این هنرمند بزرگ ادامه یافت. چندسال پس از فارغ التحصیلی ام از کنسرواتوار ایروان و بازگشتم به ایران با هنرمندی به‌نام «جورا محرابی» آشنا شدم که تصمیم داشت چهل وچند ترانه ویگن را بازخوانی کند و و این اجراها در قالب چهار سی‌دی همراه با کتابی درباره ویگن در آمریکا منتشر شود. این اتفاق افتاد و من افتخار داشتم که تنظیم تمام آن ترانه‌ها را با همراهی نوازندگان ارمنستان انجام دهم.

مدتی پس از انتشار این مجموعه، در فیس‌بوک پیامی از ژاکلین دیدم که در آن بسیاری از تنظیم ترانه «بازگشت» تعریف کرده بود. پیغامی برای ایشان فرستادم و خودم را معرفی کردم و دوستی ما با ژاکلین از آن جا و پس از اولین تماس او آغاز شد. ارتباط ما او بسیار نزدیک و دوستانه بود و همیشه پس از شنیدن کارهایم مرا تشویق می‌کرد. این اواخر یکی از آثارش را نیز به من سپرد که متأسفانه با پیشرفت بیماری اش ناتمام ماند. ژاکلین انسانی بسیار آگاه، با احساس و در حرفه خود منحصر به‌فرد بود. البته که از فرزند سلطان جاز ایران و برادرزاده کارو، شاعر نام‌آشنا، انتظاری کمتر از این نمی‌رفت. ژاکلین بسیار به پدر هنرمندش وابسته بود و اولین فرزند ویگن هم بود که به او پیوست. آن هم در شبی عجیب که ماه گرفتگی را در آسمان شب دیدیم.

او در ترانه‌سرایی، آهنگسازی و خوانندگی نبوغی عجیب داشت. احاطه او بر ادبیات فارسی و تسلط‌اش بر تلفیق استادانه کلام با موسیقی، منشأ آفرینش آثار درخشان اش بود. کلام‌اش در عین سادگی، بسیار دلنشین و زیبا جلوه می‌کرد. مثلاً در ترانه‌های درخشان «باتو» و «رویا» بعید است که موسیقی بهتری در تلفیق با آن سروده‌های لطیف به ذهن یک آهنگساز برسد. ژاکلین برای ایران نیز به‌عنوان یک هنرمند میهن دوست ترانه‌های زیبایی ساخت. ترانه «نامه دارم»، یکی از آن ترانه‌های میهنی زیبای اوست که پیشنهاد می‌کنم حتماً آن را بشنوید و به جزئیات مضمون و ملودی اش توجه کنید.

لطف ژاکلین همواره شامل حال من بود و حتی اصرار داشت که خوانندگی را جدی بگیرم. یک‌روز که دلم به‌دلیل‌ی گرفته بود، یاد ترانه «بغض پاییزی» ویگن با موسیقی آندرانیک و کلام اردلان سرفراز افتادم: «بغض پاییزی ابرم / بغض یه غروب غمناک / شاهد شکستن من / قطره بارون رو خاک / غربت هر چه غروبه / غم هر چه ابر دنیاس / کوله‌بار این غریبه / جاده در به‌دری هاست». ترانه را دانلود کردم و بعد از کمی تمرین، آن را با صدای خودم و ساز پیانو ضبط کردم و برای ژاکلین فرستادم. ژاکلین به من گفت که به‌عنوان صاحب آثار پدرش معمولاً اجازه بازخوانی ترانه‌های او را نمی‌دهم، اما از تو می‌خواهم که این کار را تنظیم و در استودیو با صدای خودت ضبط کنی!

من این ترانه را در استودیو با همراهی هنرمند بزرگ و استاد کمانچنوازی، دوست عزیزم فرشاد رستمی ضبط کردم و با حمایت‌های بی‌دریغ ژاکلین عزیز به انتشار رساندم. ژاکلین همیشه در فکر حمایت از هنرمندان بود و ایران را بسیار دوست داشت و همان‌طور که گفتم، این را در ترانه‌هایش نیز منعکس می‌کرد: «اهل هر کجا که باشیم / ما همه ایرانی هستیم…»

همیشه دلش برای ایران تنگ بود و اگر بیمار نمی‌شد، خیلی علاقه داشت که به وطن بازگردد. در روزهای جنگ ۱۲ روزه، هر روز به من زنگ می‌زد و نگران ایران و هم‌وطنانش بود و با گریه از شرایط جنگ می‌پرسید. این اواخر قرار بود حمید ناصحی گفت‌وگوی مفصلی با ایشان داشته باشد و حتی سوالات را هم برایش فرستادیم، اما بیماری و مرگ، این فرصت را از ما گرفت. ژاکلین مثل آیینۀ، پاک و زلال بود و در میان پاکی و زلالی به سفر ابدی رفت. یادش گرامی.

نگاه منتقد

لطفات حس کلمات

آن چه از ژاكلین در یادها می‌ماند



از طریق صفحه اینستاگرام مهرداد آسمانی مطلع شدم ژاکلین ترانه‌سرا، خواننده، آهنگساز و مجری برجسته معاصر ایرانی و عضوی از خانواده هنری دردربان، شانزدهم شهریورماه در ۷۲ سالگی زندگی را بدرود گفت. این خبر در این روزگار که بسیاری از نقش آفریان موثر موسیقی معاصرمان به‌دوران پیری رسیده‌اند، در نگاه اول طبیعی و تکرارپذیر است، اما هر رفتن بخشی از حافظه جمعی ما را یادآور می‌سازد؛ هر رفتن گویی بخشی از یاد ما را با خود می‌برد و هم‌زمان شاید یادمان می‌آورد. ژاکلین با آثارش در عرصه موسیقی پاپ ایران، در یک کلام یادآور لطافت و برجسته‌سازی حس کلمات به کمک موسیقی بود. اگر چه او در زمینه‌های مختلفی از جمله آهنگسازی، خوانندگی و مجری‌گری نیز فعالیت داشت، اما در این یاد نوشته تمرکز اصلی بر جنبه‌های ترانه‌سرایی اوست.

ژاکلین با همکاری با خوانندگان مطرحی چون ویگن، سیاوش قمیشی، ستار، گوگوش، ابی، سیاوش شمس، مارتیک، هلن و... توانست آثار ماندگاری را خلق کند که هنوز هم در دل مخاطبان جای دارند. ژاکلین در ترانه‌های خود، از زبانی ساده و عمیق برای بیان احساسات انسانی بهره برده است. او با استفاده از قافیه‌های ساده و وزن‌های متداول، توانسته است ارتباطی صمیمی با مخاطب برقرار کند. این ویژگی‌ها در آثار او، به‌ویژه در ترانه‌هایی که ویگن اجرا شده‌اند، مشهود است. ترانه «زن ایرونی» چنددهه تعریف طبقه متوسط ایرانی از زن به‌مثابه همسر بوده و هست؛ خاطره مشترک ما از بزم‌های عروسی که در آن حضور داشتیم: «همه دنیا رو دیدم، تا به اینجا رسیدم / که میگم مثل زن ایرونی هیچ جا ندیدم» (زن ایرونی، اجرای ویگن). این لطافت و سادگی به‌طور هم‌زمان در کلام و ملودی ترانه «با تو» اوج نمایش احساس لطیف را در یک عاشقانه به تصویر کشیده، جایی که شاید یکی از بزرگ‌ترین قله‌های آفرینش ژاکلین محسوب شود. از این‌هم نگذریم که تصویر عشق در ترانه‌های ژاکلین درعین حال که از تصویر کلاسیک عشق در ادبیات ما جدا نیست، آموده‌های عینی عشق نیز در آن فراموش نشده است: «اگه رو حسیر بشنیم اگه هیچ نداشته باشم / با تو من مالک دنیام با تو در نهایت من» (با تو، اجرای ابی). در این ترانه عشق و امید به آینده، به‌زیبایی بیان شده است. این ترانه با لحن خاص خود، فضای دلنشینی را ایجاد می‌کند که در آن، احساسات عاشقانه و تلاش برای حفظ عشق در برابر مشکلات زندگی به تصویر کشیده می‌شود. ژاکلین در این ترانه با استفاده از زبان ساده و مفهومی عمیق، توانسته است جادوی خاصی در کلام ایجاد کند که مخاطب را به دنیای احساسات خود می‌برد. یکی از نقاط عطف دیگر کارنامه ژاکلین، ترانه «طفلکی» از سیاوش قمیشی است که از نظر احساسی و موضوعی کاملاً متفاوت با دیگر آثار اوست. در این ترانه، ژاکلین با زبانی ساده و عمیق، زندگی انسان‌هایی را روایت می‌کند که درگیر درد و رنج‌های اجتماعی هستند. در این ترانه، ژاکلین توانسته است با ظرافت و دقت، احساسات یک فرد را در مواجهه با مشکلات زندگی به تصویر بکشد. در تحلیل کلی باید گفت، اگر چه زبان آگاهی ژاکلین در برخی از ترانه‌های کارنامه‌اش مانند «وای ز گفتارت» با اجرای لیلا فروهر یا «ملاقات» با اجرای معین، ضعیف‌تر از باقی آثارش است اما در مجموع سه ویژگی مهم از او در سپهر ترانه‌سرایی معاصر ایران به یادگار خواهد ماند:

۱ پیوند عمیق کلام و موسیقی در ترانه‌های او که به‌سبب درک درست موسیقی کلمات به‌واسطه دانش موسیقایی، هماهنگی و خوش‌رنگی ترانه‌هایش را از منظر آوا برجسته می‌نماید و این یکی از اهداف غایی ترانه است که در ترانه فارسی گاهی مورد غفلت قرار گرفته، ولی از آنجا که ژاکلین در عمده آثار خویش به‌عنوان Songwriter یا ترانه‌ساز نقش ساخت هم‌زمان کلام و ملودی را ایفا کرده، این خاصیت مهم در ترانه‌های او پررنگ است. جنبه‌های برجسته‌سازی زبانی در خدمت ساخت موزون و آهنگین در ترانه‌هایش مثال‌زدنی است.

۲ ژاکلین در آثار بزمی تولیدشده‌اش مانند «یار شیرین سخن» با اجرای شهرام شب‌پره، بسیار به‌اندازه و به‌جاست. از غلو و پیچیدگی‌های زبانی پرهیز کرده و درعین حال گاهی تصویری مینی‌مال از دل تصویرسازی ادبی در کلام ساده، همراه با موسیقی اش جلوه‌گر می‌شود.

۳ عرصه انتخاب و ترکیب که در نظر زبانی مهم‌ترین گام و رسالت یک ترانه‌سراست، در ترانه‌های او نمره قابل قبولی دارد. نه‌آن‌قدر درگیر انتخاب‌های خاص و پیچیده شده، نه آن قدر به ورطه ترکیب‌اندیشی و ترکیب‌سازی افتاده و در آن افراط کرده است. این چیزی است که به‌نظر من دلیل اصلی موفقیت یک زبان ساده برای یک ترانه‌سرا می‌تواند باشد. ترانه «یاسمین» با اجرای امید، مصداق خوبی از همین هماهنگی است.